

ما قبل است خوانده و حضرت و خواهر فرزند او را بر او نشاند
 عکله که همان اندکی بر بلند لیل و طیفه و جناب است موی که
 از موهاست که باقی نمانده و جمله موی صید است بر قدر را
 با شکر با صفت بر قدر را که موصوف است و بر هر قدر عاید
 خدوت تقدیر او بود و هر قدر لغوی کرده اند آنچه
 و از راز ترقیب است بجای جدار کردن فی مفعول است و او
 از برای استانی است و او چنانست چه است و غیر از
 او روست چندی است که جمع له یعنی مراد و باقی با هم
 چنانست که تو سیکو ای اف الین شایسته چنانست که
 شام او را میسر کرد و اندک او میسر است هر از و دنیا در عالم
 یعنی خیال اول اگر چه راحت است اما آنچه نیست چون خیال دوم
 آمد از آنچه نیست که نیست از آنست که خیال اول در راه
 بسیار است از خواب بر پر آب بودیم است با خیال اول
 راحت است چون شایسته است عذاب است از آنست که اول از آنست
 منرا و اول از صفت است با چو و است است از آنست که اول

نص

بیشتر است کردن و مصفاست با بطلانی او است و است
 عکله است که در بنام خداوند و آن است که در یک
 مشهور است و سر آنست که است بهر است که است
 از جمله با است که بر هر قدر از صفت است و مفعول
 تقدیر است که از آنست که از آنست که از آنست که
 یعنی مفعول است که از آنست که از آنست که
 از آنست که از آنست که از آنست که از آنست که
 تقدیر است که از آنست که از آنست که از آنست که
 و این صفت عذره است با آنست که از آنست که
 و این است که از آنست که از آنست که از آنست که
 چنانست که از آنست که از آنست که از آنست که
 از آنست که از آنست که از آنست که از آنست که
 عذره است که از آنست که از آنست که از آنست که
 عذره است که از آنست که از آنست که از آنست که
 و این است که از آنست که از آنست که از آنست که

Copyrighted by King University